

کاتولیک نبوده و لذا دولت دینی در قدرت سیاسی حضور نداشته است. مادر ایران و طبق سنت هزاران ساله با دولت دینی (ساسانیان) صفویان و جمهوری اسلامی روبرو بوده ایم و آنجا هم که دولت غیر مذهبی قاجار و پهلویان را تجربه کردیم، نفوذ مذهب در لایه های اجتماع، دولت و قانون اساسی ما بی بدیل بوده است. من عدم استطاعت مبانی دین اسلام را در تجدید نظر مدرن بویژه در مذهب شیعه آن چنان اساسی می بینم که حتی برای احترام به اصل انتخاب شهروندان در جدائی دین و دولت به طریق سریع و لائیک و قانونی را تنها راه عملی آن میدانیم. در تاریخ ایران هرگز سندی صریح و گویا در جدائی دین و دولت مدون نشد! به دنبال عقب ماندگی سامانه شرقی و سیطره زمین ارزشی، رویه سیاسی ایران همواره یا بدست رایت داران دینی اعم از اهل تسنن (غزنیان، سلجوقیان و...) بوده یا شیعیان دولت های به ظاهر غیرمذهبی نیز حمایت خود را از دستگاه مذهب می گرفتند (شاه سایه خدا). اساساً اسلام و بویژه شیعه و حضور امامان و معصومین در آن،

ولایت خامنه ای خواهند پیوست و یک جمهوری اسلامی متعادل را آرزو می کنند. صفوف اصلاح طلبان گسترده تر میشود و ایده ولایت استصوابی و نظارتی بر بخش های گسترده تری از مردم سرایت می کند. لیکن در صورت ادامه این روند اعتراضی، اقلاً بخش جوان تر این صفوف سریع تر به ارتش آزادی خواهی و نفی تمامیت نظام دینی خواهند پیوست. بی تردید شکستگی در صفوف میلیونی طرفداران یک جمهوری اسلامی متعادل بوجود می آید و مجدداً فرزندان مقابل والدین وابسته به لشکر حزب الله قرار می گیرند. برخی بنا به جایگاه خود در جریان تولید اجتماعی، سطح معلومات و رابطه با اقشار مدرن از صف اصلاح طلبی کنده و بدنه جنبش اعتراضی برای دموکراسی را مستحکم تر می نمایند. کنده شدگان از صفوف اصلاح طلبی نظام به تشکیلات مدنی و سیاسی مدرن می پیوندند و آنها که دامن رو به سقوط حکومت دینی را چسبیده اند و داعیه اصلاح طلبی هم دارند، بی شک حزب الله جدید را تولید می کنند. این احتمالات همه بر فرض ادامه



مجید پهلوان

تحلیل سیاسی

نمود. نه خانمی و نه موسوی و کروبی، سرروش و کدیور و سایر زعمای قوم را یارای ستیز با حکومت دینی نیست، چرا که خود بخشی از آن هستند و خود زنی نمی کنند! حکومت دینی ایران بر مبنای فقه شیعه دوازده امامی و مسئله امامت و برده گی سیاسی مردم بنا شده است. این بنا، سازه ای بهم پیوسته است که نفی و کشیدن یک آجر از پایه آن منجر به سقوط ساختار می شود. چنین است که مارتین لوتری در اسلام و بویژه مذهب شیعه خودنمایی نکرده است. از علی شریعتی تا سرروش و کدیور، خاتمی، موسوی و کروبی و اساتید

در جریان تولد و تکوین جریان اصلاح طلبی درون جمهوری اسلامی، امیدهای فراوان به ایجاد یک جایگزین ممکن تولید شد. این روند حاصل بن بست های سیاسی نظام اسلامی بود ولی نتوانست پشتوانه قرص محکم نظری تولید نماید و همچنان برپایه یک جمهوری اسلامی و حکومت دینی اصلاح گرا، خواهان استمرار نظام بردگی کنونی است. بی شک همین روند در میان مردم خواهان بسیاری نیز دارد ولی سیر جریان جنبش اعتراضی نشان داد که مضمون جنبش کنونی، قصد عبور از چهارچوب مذکور را

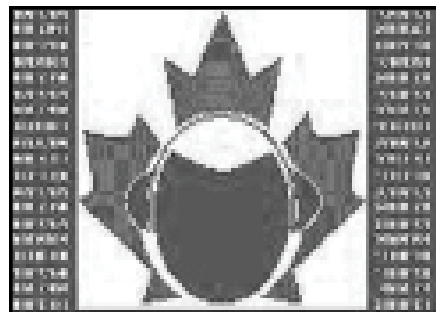
چرا اصلاح طلبی حکومت دینی در خود فرو مرد

ماهیتی علیه روشنگری، خردورزی و اصل آزادی اراده عموم است. کسی را یارای اصلاح دین و اسلام نیست و در بهترین حالت و برای حفظ آزادی دین و مذهب علاقمندان، اعلام لائیک گونه (سریع و قانونی) جدائی دین از دولت ضروری است. مثلاً زمانیکه غرب از دهان امانوئل کانت می شنید که شهروندان بالغ بد قییم و داور مذهبی احتیاج ندارند. مردم صاحب افکار خویش هستند و انسان خود قییم خود است و به امام و بقیه در صفحه ۶۵

جنبش در مقطع فعلی قابل بررسی و گمانه زنی است. برخی به انتظار حضور مارتین لوتر شیعه و پروتستانیسم و تجدید نظر در فقه مروطه نشستند ولی جریان امر ثابت نمود که چنین روندی در اسلام ناشدنی است و چاره تنها در اعلام جدائی دین و دولت است. *** اگر به جریان تکوین جدائی دین و دولت در کشورهای غربی نظری افکنیم مشاهده میشود که جریان تدریجی این جدائی در کشورهایی روی داده که کلیسای مسیحی

آن ها مهر امامت بر پیشانی دارند ولی در زمان کنونی توانسته اند در نقش مخالف هنرنمایی کنند! *** آیا ما می توانیم به زعم جنبش اعتراضی کنونی به توضیح آن بسنده کنیم و شاهد تولید صفوف حزب الله جدید باشیم. من باور دارم که در جریان این جنبش که اقلاً ریشه در مطالبات آزادی خواهانه و دموکراتیک سه دهه گذشته علیه حکومت دینی دارد، بخش قابل توجهی از هواداران جمهوری اسلامی به صفوف نفی

دارد. براستی چرا اصلاح گران نظام دلیری خروج از حکومت دینی را ندارند. میدانیم که سمت و سوی جنبش اعتراضی ریشه در مطالبات اقلاً سه دهه اخیر دائر بر خروج از حکومت دینی و خواست حقوق شهروندی، آزادی های مدنی و جدائی امر دین از حوزه عمومی (دولت) است. برخی عدم شجاعت سردمداران اصلاح طلب را علت این امر میدانند در حالیکه احتمالاً پای بندی آنها به مبانی نظام و فقه مذهب شیعه (امامت) را باید علت العمل مسئله ارزیابی



Canadian Diplomat Private High School

آیا بتازگی به کانادا آمده اید؟

416 871-2153

آیا در فهمیدن صحبت های دیگران ، تلویزیون و فیلم و حتی نوار تلفن مشکل دارید؟

آیا هنگام خرید ، در بانک ، پای تلفن ، سر کلاس نیاز به مکالمه انگلیسی دارید؟

بیش از این وقت خود را تلف نکنید!

با شرکت در کارگاه های مخصوص مکالمه در این مرکز مشکل خود را یک ماهه حل کنید

ما گرامر میدانیم ولی شما برای صحبت کردن نیازی به دانستن آن ندارید!!

تدریس زبان یک تخصص است . با استفاده از تجربه ما ، در عمر خود صرفه جویی کنید

اسلامی و خزعلات مشابه را سپری نموده. یک نسل از نظریه پردازان جوان و کارگری پرورده در حیطه هنر، اندیشه پردازان و کوشندگان خود را یافته. جنبش دانشجویی از پیرایه اسلامی و دخالت امر دین رهایی یافته. و این در حالی است که جناح اصلاح طلب هنوز در بن بست جمهوری اسلامی و تداخل دین و دولت گیر کرده است. (نگاه کنید به بیانیه های اصلاح طلبان) ***

ترکشی عمده از حکومت دینی، عاقبت و با حمایت بخشی از دستگاه سرکوب نظام، عملاً و بطور واضح مدعی رهبری و زعامت دولت جایگزین فعلی می شود. جنبشی مدیریت (سبزه قباها) شده، آنوقت سراز دستگاه رهبری حفظ نظام اسلامی در میاورد که در خود و با خود، حزب الله جدید را معرفی می کند! برخی تصور می کنند که ادامه تظاهرات خیابانی با هزینه سرسام آور منتهی به ساقط شدن رژیم می شود. بی گمان چنین نظری برخاسته از اندیشه اصلاح طلبان نظام است که با هزینه کردن از جان ملت درصدد تداوم رژیم هستند. بی شک و بدون اعتلاء جنبش به یک روند از اعتصابات عمومی در کلیدی ترین بخش های تولیدی و خدمات نمی تواند رژیم را آچمز کند. در این هنگامه که خواست حقوق شهروندی، جدائی دین و دولت و جدائی دولت از جامعه مدنی و زندگی خصوصی مردم اولویت دارد، ضربه آخرین به کاخ ستم نظام برده گی را یک قیام عمومی پاسخ گو خواهد بود. ما جدائی دین و دولت را نه ازادی و نه دموکراسی می نامیم ولی آن را لازمه جریان توسعه دموکراتیک می دانیم. اجتماع در این سه دهه آسیب هائی خورد که بعد از سقوط رژیم تازه فرصت دیدن آنها را می یابیم. برای جلوگیری از عمیق تر شدن چاه پس مانده گی و سقوط در بربریت باید که رژیم را با یک اعتصاب عمومی بزرگ کشید تا شوراهای محلات، ادارات، کارخانجات و مدارس... با فراخواندن مجلس موسسان در فضای آزادی احزاب یک قانون اساسی مدرن را تدوین و تصویب نماید. دولت دموکراتیک جایگزین لیکن از بطن انتخاباتی آزاد میاید که طلایه دار اتحاد دموکراتیک ایرانیان است که در رنگارنگی خود در پروسه اتحاد - انتقاد دست به ساختن ایرانی مدرن خواهند زد.

چپ و مانع رشد و تکوین اندیشه دموکراسی بود، امروز، هر دو جناح انحصارات (جمهوری خواه و دموکرات) بی شک در پی عقیم گذاردن رشد همان روندی هستند که به آزادی احزاب، انتخابات آزاد و فراروئی از چهارچوب یک سرمایه داری پیرامونی منجر میشود. در این میان اصلاح طلبان اگرچه به تقدس راه کارهای انحصارات امپریالیستی در حوزه اقتصادی آن (سیاست نتولیرال) گردن گذارده اند (از طریق افرادی چون موسی غنی نژادها). ولی چون قواعد بازی را نمی دانند، بی شک در زیر چرخ دنده های سامانه مذکور خرد خواهند شد و تاریخ مصرف تمام خواهند کرد. در صفوف اصلاح طلبان مارتین لوتری ظهور نمی کند که حکم پاپ را در ملاء عام بسوزاند (۵۰۰ سال پیش). کدیور، سروش، غنی نژاد، خاتمی و... اطلاعاتی های آنها در داخل و خارج از کشور مقابل جریان توفنده آزادی خواهی رنگ می یازند، به نظر می رسد که جنبش کنونی راه دیگری یافته است و آن بزرگشیدن رژیم، اعلام جدائی دین و دولت و اعلام آزادی مذهبی است و آزادی احزاب، حضور مجلس موسسان و تشکیل شوراهای کار، محلات و... که امکانات عملی این اعلام خواهند بود. ***

در بطن موج اعتراضات جدید که از خرداد ماه امسال آغاز شد، دو جناح رژیم ابتدا رو در روی هم قرار گرفتند. جناح اصلاح طلب و مال باخته رژیم که از زوایای عرصه تولید و تجارت به کناری نهاده شده، مقابل پاسداران و اتحاد آنها با بیت رهبری ایستاد. دعوی بر سر حفظ نظام بربریت با راه کارهای متفاوت از هر دو سو مطرح است. هر دو بخش علیه آزادی اندیشه، مذهب و دموکراسی هستند. هیچکدام به جدائی حوزه عمومی (دولت) از مجموعه ساختار جامعه مدنی معتقد نیست. پرسش اینجاست که آیا جنبش عمومی ایرانیان از قیام بهمین ۵۷ درس گرفته است که در اتحادی دموکراتیک، انحصارات را به تجدید نظر و دوری از باقیمانده سلاله تروریسم وا دارد. جنبش ایرانیان هم اکنون قوام لازم را در حوزه های متفاوت بدست آورده. در حیطه مسائل زنان، فیمینسم

جمهوریت و اسلام را طالب هستند موجود نیست و سیل خروشان تظاهرات کم کم راه خود را برای جدائی مذکور پیدا می کند. ***

نگاهی به نمایندگان اصلاح طلبان نظام بربریت که هم اکنون در زوایای امکانات بخش آموزش و تبلیغی انحصارات سرمایه لانه کرده اند می گوید که آنها نمی توانند به جدائی دین از دولت رای دهند، تمام تلاش انحصارات در پروردن مارتین لوتر اسلامی به جانی نمی رسد، چرا که بنا بر نص صریح کتاب مقدس رانده میشوند. پروتستانیسم در اسلام ریشه ندارد و چاره فقط در جدائی دین از دولت است تا متفکرین صاحب نظر اسلامی بتوانند همراه با تطور اجتماعی نظرات اصلاح طلبانه خود را در میدان مورد نظر (از واژه پیرویدیو در مورد میدان) بهره گیرند. اسلام و بویژه مذهب شیعه دین دولتی است و تمامی نیروهای ائمه بر تصاحب رایت خلیفه گری بودن (پادشاهی) است. چنانچه صاحب نظر نظری بخواهد به همراه سیر رشد جامعه به نظریه پردازی روی آورد. این امر تنها در پرتو اجتماعی آزاد و روادار ممکن است. در حال حاضر و تکوین روند اعتراضی جامعه، این اصلاح طلبان به حمایت از اساتید خود نشسته بر راس خلاقیت می خواهند که ابتدای جنبش و خروش عمومی را از برهه انتخابات ریاست جمهوری و دور دوم تقلب احمدی نژاد جا بزنند.

آنها شکست خورده در حیطه اعلام جدائی دین و دولت درصدد مدیریت جنبشی برآمده اند که در ژرفای خود نفی حضور اندیشه حکومت دینی (توکراسی) با هر شکل آن است. جنبش فعلی سابقه یک صد و اندی سال دارد که در جریان تکوین خود از دو انقلاب دموکراتیک مشروطیت و بهمین ۵۷ گذر کرده است. یک کودتا را علیه دولت ملی دکتر مصدق را تجربه کرده و حال بر سرگره گاه تاریخی خود قرار گرفته است. اردوی اصلاح طلبی رژیم فاقد چهارچوب نظری خاصی خود و تفکر راهنمای عمل سیاسی خود است. نه می خواهد از چهارچوب دولت دینی گذر کند و نه میتواند. اگر روزی سولیوان، سفیر امریکا در تهران، حامی روی کار آمدن رژیم اسلامی برای زدن

رهبر مذهبی و ارشاد کننده محتاج نیست و ما باید از فهم و خرد خود شجاعانه سود ببریم و کسی بهتر از ما مسائل و خیر ما را نمی داند.

کانت می گفت که روحانیون به مردم می گویند که تعقل نکن و فقط ایمان بیاور! همین جریان سبب ر خوب و بدبختی عموم است. اصل آزادی اندیشه تا نقد باورهای مذهبی خود و دیگران اساس روشنگری امانوئل کانت است که در زمان پادشاهی نادرشاه افشار می گوید. آیا سخنان بالا را میتوان به ساحت مقدس دین اسلام برد؟ آیا می توان به نقد کتاب مقدس نشست. آیا در مذهب شیعه میتوان ولی امر و امام و رهبر را بیکاره خواند که از طریق تحیمق و دعوت ما به تعقل نکردن سبطره دارد و نان می خورد. گوئی از هر طرف که برویم، اسلام و مذهب شیعه، فاقد ظرفیت های نقد روشنگری و برخورد نقادانه هستند، چرا که حتی بنا به نص صریح کتاب مقدس شک در یک کلمه آن، تمام کاسه کوزه ها را برسد منتقد می شکند! براسی که اصلاح طلبان جمهوری اسلامی در معضلی گیر کرده اند که فقط میرزا فتحعلی آخوندزاده پاسخ آنرا در زمان انقلاب مشروطیت جار میزند. او گفت که دین را از سیاست جدا کنید. مسیح خود را پادشاه آسمانها نامید و گفت کار زمین را به پادشاه (پپلات، نماینده امپراطور رم) ببخشید! اصلاح طلبان ما با دفاع از اسلامیت جمهوری، کمر به نابودی خود بستند که جایگزین بن بست آنها تنها در قبال جدائی دین از دولت، آنها با یک رفراوندوم قطعی، قانونی و لازم الاجرا از کانال یک مجلس موسسان ناشی از یک انقلاب سیاسی، امکان پذیر است. پروتستانیسم در اسلام و مذهب شیعه نه امری است عملی و نه جایز. دین و مذهب علاقمندان را به خودشان واگذار کنیم و تنها دست آن را از حیطه دولت کوتاه کرده تا جامعه را به تعادل در آوریم. دولت، لیکن فقط قوه اجرائیه (حکومت) نیست که تمامی آحاد دولتی اعم از تاسیسات آموزش، خدماتی، اداری، نظامی و... که از بودجه ملی استفاده می کنند، غیر دینی و مستقل می شوند. از این منظر راه در روئی برای مصلحین نظام بربریت که تداخل



416 871-2153

Canadian Diploma Private High School

آیا میدانید درصد زیادی از دانشجویان دانشگاهها در ترم اول از

ادامه تحصیل باز میمانند و یا منصرف می شوند؟

آیا میدانید فرزندان برای موفقیت در رشته های مهم دانشگاهی

روی کدام دروس باید تمرکز داشته باشد؟

ما فرزندان شما را طی دوره های تقویتی فشرده با روشی آسان در دروس اصلی دبیرستان

ریاضی، فیزیک، شیمی، انگلیسی... به سطح آمادگی دانشگاه میرسانیم

از این فرصت استثنایی برای آینده نوجوانان ایرانی استفاده نمایید

این روش کاملاً اختصاصی است. ما برای فرزند شما ماهی نمیگیریم، به او یاد میدهم چگونه ماهی بگیرد